



پیامبر(ص) الگوی بی‌همسان برای همه تاریخ

پیامبر اکرم(ص) با تربیت الهی و ربانی خود، رسالت یافت تا جامعه گمراه و فرو غلتیده در غرقاب جاهلیت را به سوی خدا برَد.

پیامبر اکرم(ص) با تربیت الهی و ربانی خود، رسالت یافت تا جامعه گمراه و فرو غلتیده در غرقاب جاهلیت را به سوی خدا برَد.

به گزارش ایکننا، حجت الاسلام والمسلمین محمدباقر سعیدی روشن، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در یادداشتی که اختصاصی برای ایکننا نوشته، به توصیف برخی صفات پیامبر(ص) اعظم پرداخته است.

محمد کافرینش هست خاکش/ هزاران آفرین بر جان پاکش

وجود مبارک حضرت محمد(ص) والاترین گوهر هستی در آفرینش است که دست تدبیر الهی او را برای عصر خاتمیت، اکمال شریعت، اتمام نعمت و گستره رحمت بر همه کائنات، تقدیر نمود. شخصیت والای پیامبر اکرم جایگاهی بی بدیل در قرآن کریم دارد که نیازمند تاملی در خور است. عبارات گوناگون قرآن در وصف پیامبر خاتم حاکی از ارتباط خاص و عمیق دو سویه میان خدای متعال و حضرت محمد(ص) دارد. از سویی یک جان بی قرار است که تمام صحنه های زندگی او در مدار تلاش و جهاد مستمر به سوی خدا و تربیت و ساخت جامعه ای الهی و توحیدی است و از سوی دیگر کردگار جهان و محبوب مطلوبی است که دست تدبیر و لطف و عنایت ویژه او پیوسته این وجود قائم لله و فانی فی الله را به سمت هدف پیش می برد. در این فرصت برخی از خصوصیات پیامبر اکرم (ص) به اشاره بیان می شود.

خداوند حضرت محمد(ص) را از اصل و ریشه ای پاک آفرید تا بتواند با وجود نوری خود راه انسان به کمال و سعادت را بنماید. «حتی افضت کرامه الله سبحانه و تعالی الی محمد(ص) فاخرجه من افضل المعادن منبتا و اعز الارومات مغرساً من الشجره التی صدح منها انبیائه و انتجب منها امنائه» (نهج البلاغه، خطبه ۹۴) خداوند نهال وجود حضرت محمد را در اصیل ترین و عزیزترین سرزمین ها غرس کرد و شاخه های هستی او را از همان درختی که پیامبران را از آن آفرید به وجود آورد. از همان شجره ای که امینان درگاه خود را از آن برگزید.

تربیت الهی و زیست والا

پیامبر اکرم(ص) در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد. با این همه دست عنایت خدا در گام به گام زندگی همراه او بود. الم یجدک یتیمًا فاوی ..» (الضحی، ۶) و او را برای رسالتی عظیم تربیت کرد. شرح صدری به وی بخشید که جهانی از دشواری ها، و مشقت ها نتواند او را پای بیافکند. «أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ...» (الشرح، ۱۸) آیا سینه ات را [به نوری از سوی خود] فراخ نکردیم؟ بر اساس تدبیر و تربیت الهی، محمد(ص) امین جامعه شد.

مظهر رحمة للعالمین

او همای رحمت خدا بر همه جهانیان است. قرآن رسالت پیامبر اکرم(ص) را، به مثابه رحمت فراگیر معرفی می کند تا همه جهانیان بر محور وجودی آن حضرت گرد آیند و خدا را بندگی کنند. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، ما تو را نفرستادیم مگر این که رحمت برای جهانیان باشی (انبیاء، ۱۰۷) قرآن در آیات گوناگون نمونه های رحمت بی اندازه پیامبر نسبت به مردم را باز می گوید. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) براستی که برای شما پیامبری از جنس خودتان آمد که درد و رنج شما بر او دشوار است و به هدایت شما حریص و علاقه مند و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است.

صاحب خُلُق عظیم

پیامبر اکرم(ص) چنان متأدب به آداب الهی و تعامل انسانی تعالی یافت که آفریدگار جهان و رسالت بخش محمد(ص) آن وجود گرامی را دارای خلق عظیم موصوف کرد. «اتك لعلی خُلُق عظیم» (قلم، ۴) ای پیامبر(ص) به تحقیق که تو بر خلق و خوی بزرگی آراسته شده ای. ملکات وجودی محمد(ص) ثبات و پایداری در حق، و صبر در برابر آزارها و ناملايمات و گذشت در حقوق شخصی خود و فروتنی در برابر دیگران بود. (المیزان، ج ۱۹ ص ۳۶۹) دلدادگی او به خدا و رای وصف است. «كان رسول الله اخشى الناس لربه، و اتقاهم له، و اعلمهم سبه، و اقواهم فى طاعته، و اصبرهم على عبادته و اكثرهم حُبًا لمولاه و ازهدهم فيما سواه»

(بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷) رسول الله خداترس ترین مردم نسبت به پروردگار، و با تقواترین در پیشگاه خداوند، و آگاه ترین آنان به پروردگار و قوی ترین همه انسانها در طاعت معبود، و پایدارترین مردم در عبادت خداوند، و شیفته ترین انسانها نسبت به مولا، و زاهدترین همه مردم نسبت به غیر خدا بود.

داعی الی الله و سراج منیر الهی

پیامبر اکرم(ص) با تربیت الهی و ربانی خود، رسالت یافت تا جامعه گمراه و فرو غلتیده در غرقاب جاهلیت را به سوی خدا برَد. «بِأَيِّهَا النَّبِيِّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا. وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ يَذِيهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب، ۴۵-۴۶) ای پیامبر! به راستی ما تو را شاهد [بر امت] و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم. و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی فروزان [برای هدایت جهانیان] قرار دادیم. جهان در روزگار ولادت و بعثت پیامبر اکرم از جهات گوناگون فکری، اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی وضعیتی نابسامان داشت. جاهلیت نماد ضعف فکری، انحطاط اخلاقی، و عصیت عاری از هرگونه فرزنگی در بینش و منش بود.

امام علی(ع) باورهای آن دوره را چنین ترسیم می کند: و اهل الارض یومئذ ملل متفرقه و اهواء متشتته و طریق (طوائف) متشتته (نهج البلاغه، خطبه ۱) در آن عصر مردم دارای مذاهب پراکنده و خواسته های گوناگون و جمعیت های گسسته بودند. همچنین آن امام همام زندگی دشوار آن روزگار را این گونه توصیف می کند: و انتم معشر العرب علی شر دین و شردار منیخون بین حجاره خشن و حیات صم تشریبون الکدر و تأکلون الجشب، تسفکون دماء کم و تقطعون ارحامکم (خطبه ۲۶) (نهج البلاغه، خطبه ۲۶) خداوند رسول خدا را فرستاد، در حالی که شما مردم عرب بدترین آیین را داشتید و در بدترین سرزمین ها و میان سنگ های خشن و مارهای خطرناک زندگی می کردید، آب های آلوده می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید، پیوسته خون یکدیگر می ریختید و پیوند خویشاوندی را قطع می نمودید.

پیامبر اکرم وقتی به رسالت آمد که جهان در تاریکی، ظلم و بیداد و بی نظمی فرو هشته بود؛ ارسله علی حین فتره من الرسل و طول هجعه من الامم و انتشار من الامور و تلظ من الحروب، والدنیا کاسفه النور ظاهره الغرور علی حین اصفرآ و ایاس من ثمرها و اغورار من ورقها و من مائها قد درست منار الهدی و ظهرت اعلام الردی فهی متجعمه فی وجه طالبها ثمرها الفتنة و طعامها الجیفة و شعارها الخوف و دثارها السیف (نهج البلاغه، خطبه ۸۹) آن گاه خداوند رسالت را بر عهده پیامبر اکرم(ص) گذارد که زمانی دراز از بعثت پیامبران پیشین گذشته بود و مردمان در خوابی عمیق فرو رفته بودند. فساد و تباهی جهان را فرا گرفته بود و کارهای خلاف در میان مردم منتشر بود و آتش جنگها زبانه می کشید. دنیا بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگ های درخت زندگی به زردگی گراییده و امید باروری از آن قطع شده بود و آب حیات به زمین فرو رفته بود. نشانه های هدایت به کهنگی گراییده و پرچم های هلاکت و بدبختی آشکار شده بود. دنیا با قیافه زشت به اهلش می نگریست و با چهره ای عبوس با طالبانش روبه رو بود. میوه درخت دنیا فتنه بود و طعامش مردار. در درون وحشت و اضطراب و در برون شمشیر حکومت می کرد. قرآن کریم در یادکرد گذشته مردم آن دوران می گوید: درپرنگاه سقوط و لبه گودال آتش بودید «إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ قَالَفَ بَيْنَ قَلُوبِكُمْ قَاصِّحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران، ۱۰۳؛ rlm) پیامبر خدا و نقش اصلاح فکری جامعه

رسالت اصلی پیامبر این بود که جامعه را از جهل و گمراهی نجات دهد. گمراهی در فکر و تلقی و برداشت از زندگی و هدف آفرینش و گمراهی در عمل، رفتار، و در متن زندگی. پیغمبراکرم جهاد بی وقفه ای را در کار بست تا جامعه ای را به وجود بیاورد که مردم با کانون آفرینش عالم ارتباط جویند و زندگی خود را در پیوند ایمانی با خدا سامان دهند و رفتارشان با یکدیگر متناسب با ارزش های متعالی انسانی و اسلامی رشد بیابد.

پیامبر اکرم در زدودن جهل و بت پرستی، انحراف فکری و پندارهای خرافی، اثبات توحید و همه کاره بودن خدای در همه امور جهان، اثبات حیات پس از مرگ، اثبات نبوت و مأموریت از ناحیه خدا، سختی های بی شمار و مشقت های فراوان کشید. اما هرگز خسته و نومید نشد و از پای ننشست تا نهال توحید را در جان آدمیان بنشانند. «فبلغ رسالات ربه غیر وانٍ و لا مقصرٍ و جاهد فی الله اعداء غیر واهنٍ و لا معدرٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۶)

اخلاق اجتماعی و جهاد برای ایجاد یک جامعه منسجم

جامعه معاصر پیامبر اکرم یک جامعه قبیله ای مبتنی بر قدرت و ثروت بود. در این جامعه نظم اجتماعی نه بر منطق و عقل و قانون و عدالت و حقوق افراد، بلکه بر پایه زور و عصیت و نابرداری تعریف می شد. براین اساس گاهی در امور بی ارزش، منازعات بی پایان جریان داشت. بر این اساس یکی از محورهای جهاد مستمر پیامبر اکرم تلاش طاق فرسا برای از میان بردن این رفتارهای جاهلانه و تعصب آلود و پای برجا بود. پیامبر اکرم(ص) بسیار تلاش کرد تا عصیت های بی منطق را برطرف کند. تکیه بر ارزش های مشترک انسانی، نفی تفاخر به اصل و نسب، عفو و اغماض، محبت به دیگران، از پایه های رفتاری پیامبر بود.

پیامبر اکرم با هواهای نفسانی و تعصبات درونی و پندارهای باطل که بر ذهن آنان حاکم بود و آنها را از درون ریشه کن می کرد

مبارزه کرد. در پرتو جهاد او مدد الهی بر پیامبر فرود می آمد. خدای متعال در این خصوص اشاره دارد: «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ» (انفال، ۶۳) هیچ ثروتی جز اخلاق کریمانه پیامبر خدا و مدد الهی نمی توانست این قبایل متخاصم را با یکدیگر آشتی دهد و یک جامعه منسجم و متحد بوجود آورد. رسول خدا با سجایای اخلاقی بی بدیل خود این دلها را به هم وصل کرد، از آنها یک مجموعه مستحکم به وجود آورد.

جامعه ای که گویی پایه های این بنا را با سرب ریخته اند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ؛ صَقًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ» (صف، ۴) این جمع استوار مبتنی بر اخوت که پیامبر بوجود آورده بود، در تمام جنگها با وحدت و یکپارچگی مسلمین و با ایمانی که در دل یکایک اینها رسوخ داشت، پیغمبر پیش می رفت و پیروز می شد. عاطفه بی حد و رأفت بی اندازه او شامل دوست و دشمن می شد و همه را مقهور خود می ساخت. این محبت و عطف و رحمت معجزه گون همان مظهر رحمت الهی بود. جهاد برای حفظ انسجام جامعه اسلامی

اشاره شد که مخاطبان و معاصران پیامبر اکرم مردمی عاری از فرهنگ و خردورزی و برخوردار از روانی ستیزه جوی و کین ورز بود. رسول خدا با صبر و تحمل و با رفتار پر از گذشت و سرشار از عقل و عاطفه و رأفت و رحمت، موفق به صید این دلها شد و این انسان های پراکنده را گرد یک آیین و مرام آورد. با این همه رسوخ انحرافات فکری و عادت های رفتاری، گاه آتش خشم کینه های جاهلی را در جامعه نوپای اسلامی شعله ور می ساخت.

از سوی دیگر عموم مردم متوسط پیش از تربیت کامل به ملکات والا و دستیابی راسخ به آثار ارزش های الهی، پای لریزان به هر دو سوی ایمان و کفر دارند. چنین انسان هایی نفاق را پیشه می سازند تا به پندار خویش هم از مزایای مومنان برخوردار باشند و هم از بهره های کفرپیشگی محروم نمانند. از این رو یکی از ابتلائات امت نوتأسیس پیامبر اکرم مواجهه با نفاق و منافقان بود. این دو خصیصه دشواری کار پیغمبر اکرم را چندان برابر می کرد.

در این شرایط آن حضرت هم با دشمنان بیرونی و مشرکان عنود مواجه بود، هم با منافقان درون جامعه اسلامی و همچنین مسلمانانی که هنوز ارزش های ایمانی و توحیدی رنگ پایدار وجودشان نشده بود و گاه و بی گاه هوای دوران جاهلی بر مغزشان خطور می کرد و در رفتارشان بروز می یافت. از این رو یکی از سخت ترین مبارزات پیغمبر اکرم (ص)، جهاد و قیام در حفظ انسجام جامعه اسلامی آن روز بود که این مبارزه از دشوارترین مبارزات پیغمبر بود. این مبارزه بیش از آن که جنبه زبانی و گفتاری داشته باشد در کار پیامبر خدا تجسم می یافت و جامعه اسلامی را متعادل نگه می داشت.

عبادت های خالصانه و خاضعانه او، فروتنی و گذشت و چشم پوشی از زشت کرداری بدکاران از سوی دیگر، مخاطبان را به آزمی می کشاند. و البته آن جا که امر الهی بود در اظهار و اجرای حکم الهی بی هیچ مجامله ای اقدام می کرد؛ خواه آن مزاحم راه خدا عموی مشرک باشد یا منافق مدعی اسلام و موسس مسجد ضرار. آن جا که امر خدا بود نزدیک ترین کسان خویش را از دم تیغ می گذراند و حد خدا را جاری می کرد و جاذبه بی اندازه او در مدار حق با دافعه باطل پیشگان ستیزه ورز، آمیخته بود.

با این همه مدار رفتار او با دوست و دشمن حق و عدل، و مروت و مدارا بود نه کینه ورزی و انتقام گیری. او در مواجهه رویاروی با دشمن در معرکه نبرد توصیه می کرد که: به زنان و کودکان رحم کنند، با جنگ جوان دشمن مردانه رفتار کنند، آب را بر آنان نیندند، غذا را از آنها منع نکنند، تسلیم شدگان را بپذیرند، اظهار کنندگان به اسلام را قبول کنند. محبت و عطف او نسبت به دیگران، نه از سر ضعف و ترحم، بلکه یک رویه انسانی سازنده و الهی بود. خشونت در عرب بر کشته دشمن هم رحم نمی ورزید و آن را مثله می کرد. چشم را درمی آورد، بینی را می برید، لبها و گوش ها را می برید. اما پیغمبر خدا (ص) مثله کردن را ممنوع کرد و بدین گونه کینه ورزی را دفع کرد. آری این حق مداری، و این مروت و انسانیت و این گذشت و خویشنداری پیامبر (ص) سبب انعقاد و تداوم یک جامعه ایمانی متعادل بود. اقتدار، عزت و امنیت

رحمت پیوسته رسول اکرم (ص) در طریق رسالت الهی توحیدی جامعه ای یک پارچه توأم با عزت و عدالت و امنیت و اخوت را پدید آورد که ستیزه های درونی از میان رفت. «دَقَّنَ اللَّهُ بِهِ الضَّغَائِنَ وَ اطْفَأَ بِهِ الثَّوَائِرَ أَلْفَ بِه اخواناً» (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه، ۹۶) و نتایج و پیامدهای اجتماعی این بنای نو، بارش نعمت های الهی، اقتدار و عزت و امنیت پایدار در زندگی مسلمانان شد. «.. بنگرید که چگونه نعمت و آسایش پر و بال کرامت خود را بر آنها گسترده و نهرهای مواهب خود را بر آنان جاری کرد و آیین حق با همه برکات خود آنها را فراگرفت. پس در میان نعمت ها غرق شدند و در زندگی خرم و شادمان شدند. امور آنان در سایه قدرت کامل استوار شد و در سایه عزتی پیروز شدند و حکومتی پایدار نصیبشان شد. پس آنان زمامدار جهانیان شدند و سلاطین روی زمین گشتند و مالک و فرمان روای کسانی شدند که قبلاً برایشان سیطره داشتند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) پیامبر خدا (ص) الگوی بی همسان برای همه تاریخ

پیامبر خاتم به مثابه آینه تمام نمای الهی در زمین رسالت خویش را با همه وجود و توان به فرجام آورد. او که همواره فانی در وجود پروردگار خود بود و هرگز روی خوش به دنیا نشان نداد و از دنیا رخت برکشید در حالی که خشتی بر خشت نهاد. (المیزان، ج ۶ ص ۳۰۲-۳۲۱) اما او راه رسیدن به مبدأ بیکران هستی و با خدا بودن و زیست عادلان و متوازن انسانی را برای بشریت به ودیعه نهاد.

امروز ما مسلمانان به ویژه رسالتی سنگین برعهده داریم تا منطق و مرام حکیمانه او را بشناسیم و سیره استوار او را بیوییم تا سعادت دنیا و قرب ابدی خویش را فراهم آوریم. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» به طور یقین زندگی رسول خدا(ص) برای شما و آنان که به خدا و روز قیامت امید دارند، سرمشقی نیکوست». (احزاب، آیه ۲۱). به پیامبر پاک و پاکیزه ات(ص) تأسّی جوی؛ زیرا در او سرمشقی است برای آن کس که می خواهد تأسّی جوید و پیوندی است عالی برای آن که بخواهد به او پیوند جوید. محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبرش تأسّی جوید و در پی او گام بردارد. او به اندازه نیاز از دنیا بهره گرفت و هرگز تمایلی به آن نشان نداد. اندامش از همه مردم لاغرتر و شکمش از همه گرسنه تر بود. دنیا به وی عرضه شد، ولی آن را نپذیرفت. او می دانست چه چیزی مبعوض خداست؟ آن را مبعوض می شمرد، چه چیز نزد خدا حقیر است آن را حقیر می دانست و چه چیز نزد او کوچک است آن را کوچک می دید و اگر در ما چیزی جز محبت به آن چه مورد خشم خدا و رسولش باشد، و نیز بزرگ شمردن آن چه خدا و رسولش آن را کوچک شمرده اند وجود نداشته باشد، همین امر برای مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمانش کافی است. (نهج البلاغه، خطبه، ۱۶۰)